



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۲۴

نویسنده: آیدان سیماردون

مترجم: سید حسام مل

خط نجات بحیره خزر، نقشه جنگ ایران و روسیه را از نو ترسیم می کند

منبع و تاریخ نشر: کربدل ۲۰۲۶/۰۵/۲۲

فشار جنگ بر ایران همیشه از جنوب ترسیم شده است. پایگاه‌های آمریکایی خلیج فارس را احاطه کرده‌اند، اطلاعات اسرائیل منطقه را از آذربایجان و فراتر از آن بررسی می‌کند و قدرت بحری واشنگتن مدت‌هاست که با آبراه‌های باریک اطراف ایران به عنوان یک نقطه فشار رفتار می‌کند. اما هرچه محور آمریکا- اسرائیل بیشتر به خلیج فارس تکیه کند، عمق استراتژیک تهران بیشتر به سمت شمال، در میان یک توده آب بسته که برنامه ریزان غربی نمی‌توانند به راحتی بر آن تسلط یا بند، تغییر می‌کند. بحیره خزر اکنون اهمیت دارد زیرا به ایران و روسیه چیزی را می‌دهد که هر دو کشور به آن نیاز مبرم دارند، یک مسیر مستقیم و از نظر سیاسی کنترل شده خارج از دسترس کریدورهای زمینی متخاصم. تجارت زمینی باید از طریق کشورهای عبور کند که با واشنگتن همسو هستند یا تمایلی به ریسک فشار تا نوبه ایالات متحده ندارند. در مقابل، بحیره خزر دو کشور را بدون دروازه بان شخص ثالث به هم متصل می‌کند. کشتی‌ها هنوز هم می‌توانند توسط طیارات بی‌سرنشین و راکت‌ها مورد اصابت قرار گیرند، اما رسیدن به آنها مستلزم نفوذ بسیار عمیق تری به فضای ایران است و خطر رویارویی با روسیه را به همراه دارد. در کوتاه مدت، بحیره خزر یک خط تدارکاتی قابل اعتماد برای تهران فراهم می‌کند. در درازمدت، می‌تواند ادغام ایران و روسیه را تعمیق بخشد و به مسیری مرکزی تبدیل شود که روسیه را به غرب آسیا، هند و جهان گسترده تر متصل می‌کند.

نبرد حقوقی بر سر یک بحیره بسته

آیا خزر واقعاً یک بحر است؟ این یک سوال پیش پا افتاده نیست. اگر بحر باشد، مشمول کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد قانون ابحار (UNCLOS) می‌شود که طبق آن قلمرو آن «۱۲ مایل از خط ساحلی امتداد می‌یابد و پس از آن کشتی رانی آزاد اعمال می‌شود. اگر به عنوان یک بحیره در نظر گرفته شود، قلمرو آن تا مرزهایی که کشورهای اطراف به طور متقابل توافق کرده اند، امتداد می‌یابد. تا سال ۱۹۹۱، تنها دو کشور بحیره خزر را اشغال کرده بودند: ایران و اتحاد جماهیر شوروی. در سال ۱۹۲۱، پیمان دوستی روسیه و ایران، سایر کشورها را از پیمایش آن منع کرد. اما هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرد، سه کشور جدید به بحیره خزر پیوستند: آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان. این جمهوری‌های شوروی سابق، پیمان ۱۹۲۱ را مورد مناقشه قرار دادند و بر مذاکراتی که UNCLOS را در نظر می‌گرفت، اصرار داشتند. تمام جمهوری‌های شوروی سابق، از جمله روسیه، می‌خواستند که با بحیره خزر مانند یک بحر رفتار شود، اما از آنجا که خط ساحلی کوتاه ایران، قلمرو کمتری به آن می‌داد، اصرار داشت که بحیره خزر یک بحیره است. احتمالاً اعمال کنوانسیون حقوق ابحار سازمان ملل متحد (UNCLOS) همچنین اجازه ورود کشتی‌های نظامی خارجی را در فاصله ۱۲ مایلی از ایران می‌داد. با توجه به اتحاد نزدیک آذربایجان با اسرائیل، این یک ترس فرضی نبود. اگر آذربایجان میزبان نیروی بحری اسرائیل باشد، تل‌آویب می‌تواند جبهه‌ای در شمال ایران باز کند. عدم دستیابی به اجماع، وضعیت حقوقی بحیره خزر را مبهم کرد و منطقه را از ادغام بیشتر محروم کرد. به عنوان مثال، خط پایب لاین پیشنهادی ترانس خزر، ترکمنستان را به آذربایجان متصل می‌کرد و نفت و گاز را از آسیای مرکزی به اروپا می‌آورد. اما بدون مشخص بودن اینکه چه کسی مالک این بحیره است، این پروژه متوقف شد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خبر و لولی

در سال ۲۰۱۸، پنج کشور به تصمیمی رسیدند. بحر خزر نه یک بحیره بود و نه یک بحر، بلکه یک پهله آبی منحصر به فرد بود که مشمول کنوانسیون وضعیت حقوقی بحیره خزر، که با نام پیمان بحیره خزر نیز شناخته می شود، می شد.

مشابه کنوانسیون حقوق ابحار (UNCLOS)، کشورها { ۱۵ مایل از خط ساحلی و ۱۰ مایل دیگر برای ماهیگیری در اختیار خواهند داشت. منطقه باقی مانده مشترک خواهد بود و هر کشور عضو این معاهده می تواند کیبل ها و خطوط پایب لاین های زیر دریایی را در آن نصب کند.

اما برخلاف کنوانسیون حقوق ابحار، کشورهایی که عضو این معاهده نیستند از استقرار کشتی های مسلح خود منع شده اند. ایران به خواسته حداکثری خود مبنی بر طبقه بندی بحیره خزر به عنوان یک بحیره دست نیافت، اما حذف اردوهای خارجی از این منطقه، محافظتی را که بیشترین اهمیت را داشت، به آن بخشید.

نظر سنجی:

*- کدام مسیر برای شکستن فشار غرب بر ایران و روسیه بیشترین اهمیت را دارد؟

*- مسیر بحیره خزر بین ایران و روسیه

*- دهلیز حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب

*- دسترسی بحری خلیج فارس

*- تجارت زمینی از طریق قفقاز و آسیای مرکزی .

۲۷ رأی، ۵ روز و ۱۵ ساعت باقی مانده

همکاری در بحیره خزر

این پیمان به کشورهای ساحلی چارچوبی برای همکاری داد، اما برای روابط ایران و روسیه، بحیره خزر تا زمانی که مسیرهای زمینی در دسترس بود، مورد استفاده قرار نگرفت. با عمیق تر شدن همکاری در مورد سوریه، مسکو در سال ۲۰۱۳ طرح دهلیز حمل و نقل بین المللی شمال- جنوب (INSTC) را پیشنهاد داد، شبکه ای از خطوط پایب لاین، راه آهن و شاهراه ها که روسیه را از طریق آذربایجان به ایران و سپس به هند و جهان متصل می کند.

همه چیز با حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ تغییر کرد. در حالی که آذربایجان تحریم های خود را علیه روسیه اعمال نکرد، کمک های بشردوستانه به اوکراین ارائه داد و از تمامیت ارضی آن حمایت کرد و ادعا کرد که از قوانین ثانویه تحریم ها پیروی می کند.

در همین حال، همکاری ایران و روسیه سرعت گرفت. با پیوستن روسیه به ایران در تحریم ها، دیگر انگیزه های برای مسکو برای محدود کردن تجارت با تهران وجود نداشت. مسکو همچنین مجبور شد به دنبال تأمین گان دیگری برای اردوی خود باشد. ایران طیارات بی سرنشین را فراهم کرد که در میدان نبرد تعیین کننده بودند.

چرا وقتی بحیره خزر درست همانجا بود، به آذربایجان تکیه کنیم؟ تقریباً (۱۰۰۰) کیلومتر دورتر از خط مقدم روسیه و اوکراین، این بندر مسیر مستقیم و پنهانی برای ارسال سلاح از ایران به روسیه فراهم می کرد. در عوض، روسیه کالاهای بیشتری به ایران عرضه می کرد.

در سال ۲۰۲۲، بندر نوش شهر ایران میزبان اولین کشتی باری روسی خود پس از ۲۱ سال بود. در همان سال، شرکت های کشتیرانی ایرانی و روسی با همکاری یکدیگر، شرکتی جدید را تشکیل دادند که دهلیز شمال- جنوب را توسعه می داد. در سال ۲۰۲۵، حمل و نقل بحری در بندر انزلی ایران ۵۶ درصد افزایش یافت

پس از جنگ تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، واشنگتن خلیج فارس را محاصره کرد. حمل و نقل زمینی نیز پرخطرتر شد و کشورهای همسایه مانند آذربایجان، پاکستان و ترکیه روابط نزدیکی با ایالات متحده حفظ کردند.

بحیره خزر دوباره حیاتی شد، این بار با ارسال سلاح و کالاهای حیاتی توسط روسیه به ایران، جریان معکوس شد. یک مقاله اخیر نیویورک تایمز (NYT) ادعا می کند که روسیه قطعات طیارات بی سرنشین را از طریق بحیره خزر به ایران ارسال می کند.

طیارات بی سرنشین برای روسیه در اوکراین حیاتی بودند و همچنین به ایران در حمله به تأسیسات نظامی ایالات متحده در سراسر غرب آسیا کمک کرده اند. طبق گزارش ها، کشتی های روسی کالاهای اساسی، از جمله غذا، را برای کمک به ایرانیان در مقاومت در برابر محاصره حمل کرده اند.

ایالات متحده و اسرائیل می توانند به کشتی ها یا بنادر در بحیره خزر حمله کنند، اما خطرات قابل توجه است. بحیره خزر از اسرائیل و پایگاه های نظامی ایالات متحده در نزدیکی خلیج فارس فاصله زیادی دارد. هرگونه حمله به دارایی های ایران در آنجا نیز خطر کشاندن مستقیم روسیه به درگیری را به همراه دارد، به خصوص هنگامی که این بنادر به عنوان نقاط توقف کشتی ها و گره های لجستیکی برای کشتی های روسی عمل می کنند.

به همین دلیل است که موج حملات اسرائیل به بندر انزلی که در مارس ۲۰۲۶ به طور علنی تأیید شد، واکنش تندتری را نسبت به محکومیت های معمول روسیه برانگیخت. این حمله به بزرگترین بندر ایران در بحیره خزر، یک قطب

تجاری و نظامی متصل به همان مسیر بحری که روسیه برای انتقال محموله به و از ایران استفاده می کند، حمله کرد. ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، هشدار داد که این حمله بر «منافع اقتصادی روسیه و سایر کشورهای منطقه» که با ایران ارتباط حمل و نقل دارند، تأثیر می گذارد و گفت چنین «اقدامات بی ملاحظه و غیرمسئولانه ای» خطر «کشاندن کشورهای بحیره خزر به درگیری نظامی» را به همراه دارد.

این هشدار در سطح سیاسی بالاتری تکرار شد. پس از گفتگوی سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، با عباس عراقچی، همتای ایرانی خود، مسکو اعلام کرد که هر دو طرف نگرانی خود را از «گسترش خطرناک درگیری تحریک شده توسط واشنگتن و تل آویو به منطقه بحیره خزر» ابراز کرده اند.

دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، سپس گفت که روسیه هرگونه سرایت جنگ ایران به بحیره خزر را «بسیار منفی» ارزیابی می کند، در حالی که از اظهار نظر مستقیم در مورد گزارش هایی مبنی بر اینکه حملات اسرائیل کشتی هایی را که ظاهراً حامل سلاح های روسی به ایران بوده اند، هدف قرار داده است، خودداری کرد. تهران همچنین تلاش کرد تا این حمله را به یک مسئله امنیتی در سطح کل دریای خزر تبدیل کند، نه یک موضوع دوجانبه و محدود. عراقچی هشدار داد که حملات به بندر انزلی «امنیت و ثبات در بحیره خزر را به طور جدی به خطر انداخته است» و از کشورهای ساحلی خواست تا در برابر این اقدام بی ثبات کننده «موضعی قاطع و متحد» اتخاذ کنند.

پیام به اندازه کافی واضح بود. هنگامی که جنگ به سواحل شمالی ایران رسید، منافع هر کشور ساحلی که به خارج ماندن بحیره خزر از میدان نبرد آمریکا و اسرائیل وابسته است، تحت تأثیر قرار گرفت.

اگر این در ماه های اخیر سه بار به بحیره خزر حمله کرده است. زمان بندی، با توجه به جنگ ایران، مشکوک است، اگرچه اهداف تاکتونی دارایی های نظامی روسیه بوده اند. برای تهران، این بدان معناست که مسیر بحیره خزر تا حد زیادی امن باقی می ماند، به خصوص در مقایسه با مسیرهای جنوبی در معرض خطر در اطراف خلیج فارس.

عمق اوراسیا فراتر از محاصره

وقتی جنگ پایان یابد، بحیره خزر برای روسیه و ایران حیاتی خواهد ماند. بیش از یک دهه پیش، مسکو دهلیز شمال-جنوب را راهی برای رسیدن به هند در عین دور زدن اروپا می دانست. در شرایط تحریم های غربی، فشار جنگ و گسترش مهار آتلانتیک، آن طرح قدیمی وزن جدیدی پیدا کرده است.

اگر تحریم ها در نهایت برداشته شوند و هند از وابستگی به غرب دورتر شود، این دهلیز می تواند به یکی از شریان های کلیدی نظم چند قطبی تبدیل شود. این دهلیز به روسیه مسیری به اقیانوس هند می دهد، به ایران نقش محوری در تجارت اوراسیا می دهد و توانایی ایالات متحده را برای منزوی کردن هر یک از این دو کشور از طریق فشار بحری یا اجبار مالی تضعیف می کند.

با توجه به مزایای آن، بحیره خزر به طرز شگفت آوری مدت زیادی طول کشید تا به اهمیت فعلی خود برسد. وضعیت قانونی آن تنها در سال ۲۰۱۸ مشخص شد و قبل از جنگ اوکراین، مسیرهای زمینی هنوز قابل اجرا به نظر می رسیدند. اما با تشدید همکاری مسکو و تهران در یک محیط بین المللی خصمانه، بحیره خزر دیگر یک مسیر فرعی نیست. این دهلیز در حال تبدیل شدن به یکی از ستون های آرام پاسخ اوراسیا به هژمونی ایالات متحده است.